

بررسی انسان‌شناختی روابط همسایگی (مطالعه تطبیقی روابط زنان شاغل و خانه‌دار)

مرتضی منادی*

(تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۸/۲/۱)

چکیده

مقاله حاضر در صدد بررسی بخشی از زندگی روزمره زنان، یعنی روابط اجتماعی آنان است. در این بررسی انسان‌شناختی، مقایسه‌ای بین روابط اجتماعی زنان شاغل و خانه‌دار صورت می‌گیرد. زنان شاغل و زنان خانه‌دار جامعه ما نیز براساس سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان با اطرافیان خود (خانواده، دوستان و همسایگان) ارتباط‌های متفاوتی برقرار می‌کنند.

به کمک روش کیفی با ابزار مصاحبه، با تعدادی از زنان که به صورت اتفاقی تصادفی انتخاب شدند، مصاحبه‌های طولانی انجام شد. تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها نشان دادند افراد با سرمایه فرهنگی کم، بیشترین ارتباط خانوادگی را دارند و خیلی کم همراه با خانواده، با دوستان ارتباط داشته و اصلاً به تنهایی با دوستان ارتباط (غیر خانوادگی) ندارند. افراد با سرمایه فرهنگی متوسط بیشتر روابط خانوادگی را ترجیح می‌دهند و تعدادی همراه با خانواده، با دوستان و تعداد بیشتری به تنهایی ارتباط برقرار می‌کنند. افراد با سرمایه فرهنگی بالا نیز اغلب با خانواده، تعدادی با دوستان و تعدادی به تنهایی با دوستان خود رابطه برقرار می‌کنند.

بیشتر زنان خانه‌دار روابط خانوادگی داشته و فقط یک مورد از آنان همراه با خانواده و یا به تنهایی، با دوستان ارتباط داشت. اکثر زنان شاغل نیز با خانواده ارتباط داشته و تعدادی با دوستان و تعداد بیشتری به تنهایی با هم‌جنسان خود ارتباط دارند. سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی نقش مهمی را در نتایج به دست آمده ایفا نمی‌کنند. عامل اصلی در شکل و نوع روابط اجتماعی، سرمایه فرهنگی است. نتایج حاکی است که سرمایه فرهنگی پایین، خانه‌داری و ارتباطات خانوادگی نوعی چرخه را ساخته‌اند. در حالی که، سرمایه فرهنگی متوسط و بالا، شاغل بودن و روابط با هم‌جنسان نیز چرخه‌ای دیگر را بنا کرده‌اند. در واقع، فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، مطالعه، تماشای تلویزیون، شرکت در مجالس شعر، تفسیر قرآن بسیج و غیره، جدای از سطح تحصیلات در برقراری ارتباطات نقش مهمی دارند.

واژگان کلیدی: زنان شاغل و خانه‌دار، روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی.

مقدمه

هر انسانی ضمن زیستن در جامعه و اشتراک فرهنگی با دیگران، دارای فرهنگ منحصر به فردی نیز هست. همچنین، امکانات مادی افراد نسبت به یکدیگر و نوع و میزان ارتباطات ایشان نیز متفاوت می‌باشد. به تعبیر بوردیو، هر انسانی دارای سرمایه‌های مختلف اقتصادی^۱، اجتماعی^۲ و فرهنگی^۳ است (بوردیو، ۱۹۸۹) که او را از دیگران متمایز می‌کند.

سرمایه اقتصادی هر فرد را مجموعه دارایی‌ها و درآمدهای او شکی می‌دهد و سرمایه فرهنگی او را سطح تحصیلات، داشتن اشیای فرهنگی مانند کتابخانه، عتیقه‌جات و غیره و فرهنگی که از خانواده و محیط زندگی پیرامونش دریافت کرده است به نمایش می‌گذارد. در حالی که، سرمایه اجتماعی شبکه ارتباطی او است که به باور بوردیو بیشتر تحت تأثیر سرمایه فرهنگی اش می‌باشد. از این رو، هر فردی دارای روابط اجتماعی (کلنر، ۱۳۷۶؛ تری یاندریس، ۱۳۸۳) با افرادی است که در راستای فرهنگ او قرار دارند یا دارای عادت‌واره طبقاتی (بوردیو، ۱۹۹۶) مشابه هستند. منظور از روابط اجتماعی، ارتباطات گوناگونی است که هر فرد در زندگی روزمره (برجه و لوکمان، ۱۹۸۶) خود دارد. در مورد خانواده شکل این رابطه مشتمل بر سه نوع است: رفت و آمد با اعضای خانواده زن و مرد، رفت و آمد خانواده با دوستان و همسایه‌ها، و رفت و آمد با دوستان غالباً هم‌جنس که به تنهایی و بدون حضور اعضای خانواده صورت می‌گیرد.

اندازه، شدت و نوع روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی بین زنان یکسان نیست. این تفاوت، مربوط به سرمایه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی آنان است که بر روی چگونگی وضعیت اجتماعی، روانی و فرهنگی خود آنان و به‌خصوص فرزندان‌شان تأثیر دارد. از این جهت شناخت و بررسی این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد.

بیان مسئله

آیا تفاوتی بین نوع روابط اجتماعی زنان شاغل و زنان خانه‌دار وجود دارد؟ چه عواملی در تولید این تفاوت نقش دارند؟

زندگی روزمره (لوفور، ۱۹۸۱) زنان شاغل و خانه‌دار به شیوه‌ای همانند برگزار نمی‌شود. این تفاوت امری طبیعی و بدیهی است. زیرا شاغل بودن باعث می‌شود که فرد زمانی از ساعات روز را خارج از خانه به کاری (اغلب درآمدزا) مشغول باشد. اما جدای از بحث اشتغال زنان، ایشان اعم از شاغل و خانه‌دار، از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی نیز برخوردارند. تفاوت در این ویژگی‌ها، تفاوت در چگونگی گذران زندگی روزمره آنان را سبب می‌شود. از جمله، اندازه و نوع رابطه آنان با خانواده، دوستان و همسایگان را به شکلی متفاوت صورت می‌دهد. این نوع روابط اجتماعی که در زبان جامعه‌شناسی، با اصطلاح سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود،

¹. Capital économique

². Capital social

³. Capital culturel

شبکه ارتباطی انسان را ملاک قرار می‌دهد. در واقع، «اعضای جامعه با برقراری ارتباط با یکدیگر و پایدار ساختن آن، قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به دست یافتن به آن‌ها نمی‌باشند و یا با دشواری بسیار موفق به کسب آن‌ها می‌شوند. انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و تمایل دارند که ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای این شبکه‌ها داشته باشند. با گسترش شبکه‌ها نوعی دارایی برای افراد عضو به وجود می‌آید که می‌توان آن را به عنوان نوعی سرمایه مورد ملاحظه قرار داد» (فیلد، ۱۳۸۶ : ۷). به عبارتی، «ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی، ثروتی ارزشمند هستند. شبکه‌ها پایه‌ای برای انسجام اجتماعی به وجود می‌آورند؛ زیرا افراد را قادر می‌سازند تا با هم و نه فقط با افرادی که به صورت مستقیم می‌شناسند، برای کسب منفعت متقابل همکاری کنند» (همان: ۲۶).

در این پژوهش سرمایه اجتماعی دقیقاً به مفهوم جامعه‌شناختی تعریف شده (بورديو، کلمن و یا پاتنام) سنجیده نمی‌شود، بلکه شکل و اندازه روابط اجتماعی زنان با خانواده، دوستان و همسایگان مورد بررسی واقع شده است. از آنجا که روابط اجتماعی در زبان جامعه‌شناسی، سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود و وضعیت فرهنگی، به تعبیر بورديو، سرمایه فرهنگی نامیده می‌شود، در نتیجه برای فهم موضوع و تبیین نتایج از مفاهیم سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این حوزه گویا و رایج هستند، استفاده می‌کنیم، بدون این که در آغاز هدف ما بررسی این مفاهیم مشخص باشد. به خصوص که روش پژوهش ما کیفی است بنابراین، هدف ما آزمون نظریه‌ای نیست.

چرا بین سرمایه‌های افراد به خصوص سرمایه اجتماعی شان تفاوت وجود دارد؟ چه عواملی در این امر نقش دارند؟ در پاسخ می‌توان گفت که اولاً، افراد متعلق به طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند، ثانیاً، هم سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و هم شخصیت فرد در روابط اجتماعی یا در سرمایه اجتماعی او بیشترین نقش را دارند. در واقع، به تعبیر بورديو، سرمایه فرهنگی انسان‌ها رفتارها و کنش‌های آنان از جمله سرمایه اجتماعی‌شان را هدایت می‌کند (بورديو، ۱۹۸۹). از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی سرمایه اجتماعی تعدادی از زنان شاغل و خانه‌دار در ارتباط با سرمایه فرهنگی‌شان به روش کیفی (منادی، ۱۳۸۵ الف) با ابزار مصاحبه می‌باشد.

متغیرهای پژوهش حاضر، روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی زنان است که به تفصیل در چارچوب نظری معرفی خواهند شد. ضمناً یکی دیگر از متغیرهای پژوهش شاغل بودن است. منظور از شاغل بودن زنان، کار درآمدزای آنان غالباً بیرون از خانه یا زمانی در خانه مانند خیاطی و غیره است که زنان ساعاتی از وقت روزمره خود را به آن اختصاص می‌دهند.

پیشینه پژوهش

بحث پیرامون سرمایه مادی انسان برای احراز طبقه‌ای در جامعه، توسط مارکس مطرح شد (مارکس، ۱۹۹۳)، ولی بدون شک اولین پژوهشی که در مورد سرمایه اجتماعی - البته بدون کاربرد تعبیر سرمایه اجتماعی - صورت گرفته است، پژوهش امیل دورکیم در مورد خودکشی است (دورکیم، ۱۹۹۰). دورکیم با تأکید، به اهمیت

و نقش روابط اجتماعی در میزان رضایت‌مندی افراد جامعه پرداخته و در این بین ارتباط مقوله‌ها و پدیده‌هایی مانند خودکشی و انحرافات اجتماعی (۱۹۸۷) را با روابط اجتماعی مورد بحث قرار داده است. به نظر وی با ضعیف و کم شدن روابط اجتماعی، خودکشی و دیگر انحرافات اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد.

بورديو فراتر از تفکر مارکس و دورکیم در مورد وضعیت انسان‌ها در جامعه از سه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان نام می‌برد و معتقد است که بین انسان‌ها در داشتن این سه نوع سرمایه نابرابری وجود دارد که این نابرابری در موفقیت تحصیلی فرزندان، انتخاب نوع رشته تحصیلی در آموزش عالی و سپس در احراز پست‌های شغلی آنان تفاوت ایجاد می‌کند (بورديو، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۳). در واقع، نابرابری سرمایه‌ها به بازتولیدشان توسط خانواده‌ها و به کمک نهاد آموزش و پرورش در افراد جامعه ختم می‌شود.

کلمن در مورد نقش سرمایه اجتماعی در ارتباط با دانش‌آموزان و نهاد آموزش و پرورش پژوهش‌هایی را انجام داده است. وی معتقد است که ساختار خانوادگی متفاوت سطوح مختلف سرمایه اجتماعی را برای فرزندان به وجود می‌آورد. یعنی سرمایه اجتماعی بالا باعث ادامه تحصیل و موفقیت تحصیلی می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷).

پاتنام ایده معاشرت و فعالیت مدنی را به عنوان پایه یکپارچگی اجتماعی و بهزیستی در نظر گرفت و این مفهوم را توسعه داد. اولین کار پاتنام در مورد سرمایه اجتماعی در بخش آخر مطالعه‌ای درباره حکومت منطقه‌ای در ایتالیا متمرکز شد. او معتقد بود که برخی مناطق دارای سازمان‌های مدنی فعال و سرمایه اجتماعی مناسبی هستند؛ به طوری که افراد این بخش از جامعه ایتالیا در مسایل عمومی مشارکت دارند و از قوانین پیروی می‌کنند. در حالی که در مناطقی که فاقد سازمان‌های مدنی است و ساکنان آن‌ها از سرمایه اجتماعی خوبی برخوردار نیستند، میزان مشارکت در انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار کم است (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۱ - ۶۷).

فوکویاما نیز از منظر اقتصادی به مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته است. وی معتقد است «سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌تواند قالب وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند» (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰ و ۱۱).

در ایران نیز پژوهش‌هایی در زمینه سرمایه‌های گوناگون افراد جامعه صورت گرفته است. حسن‌زاده (۱۳۸۴) تأثیر سرمایه اجتماعی معلمان را بر میزان رضایت‌مندی از خانواده، مدرسه و اجتماع مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان رضایت معلمان، معنی‌دار است. به لحاظ جنسیت، تفاوتی معنی‌دار میان سرمایه اجتماعی زنان و مردان و احساس رضایت ایشان وجود ندارد. تحلیل هم‌زمانی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (شبکه روابط اجتماعی) بیشترین تأثیر را بر روی رضایت‌مندی داشته است.

آهنچیان (۱۳۸۵) در پژوهشی، رهبری دانشگاهی و سرمایه اجتماعی را در مدیریت آموزش عالی بین اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که سرمایه اجتماعی در گروه علوم تجربی که رهبری آموزش عالی آنان قوی‌تر بوده است، به گونه‌ای معنی‌دار بیش از گروه علوم انسانی است که رهبران دانشگاهی آنان رهبری آموزش عالی ضعیف‌تری داشته‌اند.

نوغانی (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس دولتی و غیر انتفاعی

پیش‌دانشگاهی استان خراسان انجام داده است. یافته‌های این پژوهش با دیدگاه بورديو مبنی بر این که «دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بالاتری را از طریق خانواده کسب می‌کنند، احتمالاً در مدرسه موفق‌ترند و در نتیجه شانس بیشتری برای رسیدن به سطوح بالای آموزشی در مقایسه با دیگران دارند»، هم‌خوانی دارد. هم‌چنین، یافته‌ها حاکی است که پس از سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی خانواده بیشترین سهم را در آزمون سراسری دانشگاه‌ها (نمره و احتمال قبولی) داشته است.

چارچوب نظری

افراد سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی دارند. این سرمایه‌ها در رفتارها و اعمال زندگی روزمره و در روابط اجتماعی ایشان متبلور شده و بر شخصیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد. سه قسم سرمایه که در این تحقیق به آن‌ها می‌پردازیم عبارت‌اند از:

سرمایه اقتصادی: منظور از سرمایه اقتصادی، مجموع درآمدهای مادی روزانه (برای کارگران یا صاحبان مشاغل آزاد) یا ماهانه (برای کارمندان) یا سالیانه (برای صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها) و اموال منقول و غیرمنقول یک خانواده مانند، مسکن، اتومبیل، کارخانه، شرکت و غیره است.

سرمایه اجتماعی: یکی از دارایی‌هایی که به طور یکسان بین افراد جامعه تقسیم نشده است، روابط اجتماعی و یا سرمایه اجتماعی است که اجمالاً به این شکل تعریف می‌شود: نوع و اندازه روابط اجتماعی با افراد هم‌طبقه (افقی) و طبقات دیگر و بالاتر از خود (عمودی).

هریک از سه نظریه‌پردازی که در آثارشان به این مفهوم پرداخته‌اند: پیر بورديو، جیمز کلمن و رابرت رویکردی متفاوت به را اتخاذ کرده‌اند. البته فرانسویس فوکویاما نیز به این موضوع اشاره کرده است.

به اعتقاد بورديو وجه تمایز انسان‌ها سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی آنان است. وی می‌افزاید: «یک اصل تفاوت‌گذار دیگر، یک نوع سرمایه دیگر، وجود دارد که توزیع نامساوی آن منشأ تفاوت‌های ملاحظه‌شده، به‌ویژه در حوزه مصرف و الگوهای زندگی است» (بورديو، ۱۳۸۰: ۵۰) که به آن سرمایه اجتماعی می‌گویند. بورديو این سرمایه را به نقل از فیلد این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی مجموعه منابع مادی یا معنوی است، که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند» (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱) یا هم‌چنین سرمایه اجتماعی «مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، دین‌ها (مطالبات یا دیون نمادین) است که به عامل «وزن» اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد برحسب کیفیت و کمیت شبکه‌های ارتباطی، پیوندهایی که افراد را به یکدیگر وصل می‌کند، می‌بخشد. (شویبره و فونتنن، ۱۳۸۵: ۹۸).

به باور بورديو همه انواع سرمایه‌ها مهم هستند و با یکدیگر ارتباط دارند. حتی تاحدودی این سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگر نیز هستند، البته قدرت تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی کمتر از قدرت تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی است. ولی سرمایه فرهنگی مهم‌تر از دو سرمایه دیگر است. در این باره وی معتقد است که: «از بعضی وجوه، انتقال سرمایه فرهنگی نشان‌دهنده مؤثرترین شکل انتقال موروثی سرمایه است، زیرا تا

حد زیادی به صورت عینی انجام گرفته و بنابراین کمتر قابل کنترل است، در حالی که ثروت اقتصادی موروث از طریق مالیات قابل مهار است» (همان: ۳۲).

سرمایه اجتماعی، مجموع منافع بالفعل و بالقوه را شامل می‌شود که کنش‌گران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌ها به دست می‌آورند و کلیه شبکه روابط اجتماعی افراد در جامعه را نیز در بر می‌گیرد. البته در درون این شبکه روابط اجتماعی، به تعبیر کلمن، عناصری وجود دارند که روابط اجتماعی را هدایت و کنترل می‌کنند و شکل می‌دهند. این عناصر شامل اعتماد، اقتدار، حقوق، تعهد، داشتن اطلاعات و رعایت هنجارها است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲، ۴۷۴، ۴۷۵). به باور کلمن «سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد» (همان: ۴۶۲). در واقع، کلمن سرمایه‌های اجتماعی را از منظر اقتصاد نگرسته و آن را در زمره پتانسیل‌های فرد یا گروه در جامعه می‌داند (همان: ۴۷۷ و ۴۷۸). در حالی که بورديو بیشتر بر شبکه روابط اجتماعی تأکید دارد. در نتیجه، نگاه او به این مفهوم ابزاری و به معنای استفاده‌ای است که سرمایه اجتماعی برای افراد جهت دسترسی به منابع مادی و یا فرهنگی دارد.

رابرت پاتنام رویکرد کلان‌تری نسبت به بورديو و کلمن در مورد سرمایه اجتماعی دارد. پاتنام به نقل از فیلد معتقد است که «سرمایه اجتماعی در این جا به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی از جمله اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که قادرند کارآیی جامعه را با تسهیل کنش‌های تعاونی بهبود بخشند» (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۴). وی در ادامه می‌افزاید: «منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند (همان: ۵۵). آن چه مسلم است نگاه جامعه‌شناسان به سرمایه اجتماعی کمی متفاوت است. اما به هر صورت، سرمایه اجتماعی مقوله‌ای منفرد و جدا از اجتماع نیست، بلکه در ارتباط با فرهنگ یا سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی فرد عمل می‌کند. البته بورديو بر این نکته تأکید دارد، ولی نتایج ما فراتر از این امر است. در واقع، دو فرد با دو سرمایه فرهنگی مشابه دارای سرمایه اجتماعی متفاوتی هستند. زیرا عامل دیگری در این امر نقش دارد که شخصیت فرد می‌باشد. شخصیت «بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد یا افراد است که الگوهای ثابت رفتاری آنها را نشان می‌دهد» (پروین، ۱۳۸۱: ۳). در واقع، شخصیت مکمل عادت‌واره است که هر دو هدایت‌کننده روابط اجتماعی افراد خواهند بود.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و شاید بتوان گفت پنهان‌ترین بخش داشته‌های انسان‌ها به شمار می‌آید. «سرمایه فرهنگی شامل امکانات و دارایی‌های فرهنگی است که توسط کنش‌های آموزشی خانوادگی به فرزندان انتقال پیدا می‌کند» (بورديو، ۱۹۷۱: ۴۶). میلنر در تعریف و برداشت از این مفهوم در نظریه بورديو معتقد است، «کارکرد اجتماعی مهارت‌ها و صلاحیت‌ها و دانش‌های فرهنگی کسب شده دقیقاً

شبهه کارکرد سرمایه اقتصادی است، یعنی نوعی «سرمایه» در اختیار افراد قرار می‌دهد که می‌توان آن را جهت حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی به کار گرفت» (میلنر و براویت، ۱۳۸۵: ۳۱۸). سرمایه فرهنگی به زعم بوردیو دارای سه بخش است.

الف) سرمایه فرهنگی درونی شده که بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع، این نوع سرمایه فرهنگی شامل توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده است که در قالب عادت‌واره^۴ تجلی می‌کند. عادت‌واره از سویی «ساختاری است که ساختارهایی را می‌سازد» (بوردیو، ۱۹۸۹: ۸۸) و از سوی دیگر «منبع فکری کنترل‌کننده افکار و رفتار انسان است» (همان، ۸۷). به عبارت دیگر، «عادت‌واره، مولد اعمال انسان مطابق فرهنگ است که در سلسله‌مراتب فرهنگ، مشابه ذخیره ژنتیک در حوزه سلسله‌مراتب بیولوژیک عمل می‌کند» (بوردیو، ۱۹۷۱: ۴۸). در واقع، «عادت‌واره اصل مولد و یگانه‌ساز رفتارها و افکار (عقاید) و هم‌چنین اصل توضیح‌دهنده نیز هست. زیرا تلاش می‌کند در هر لحظه یک شرح حال آموزشی و فکری و نظامی از شرایط عینی که خود محصول آن می‌باشد را بیافریند» (همان: ۱۹۸). جنکینز عادت‌واره را این‌گونه از تفکر بوردیو برداشت کرده و تعریف می‌کند. «اول، عادت‌واره فقط مادامی که «درون مغز» کنش‌گران باشد (و در هر حال مغز نیز بخشی از بدن است) وجود دارد. دوم، عادت‌واره فقط در اعمال کنش‌گران و تعاملی که با یکدیگر و محیط خود دارند، و از طریق همین عمل و تعامل، و به دلیل همین عمل و تعامل وجود دارد: شیوه‌های حرف‌زدن، شیوه‌های حرکت کردن، شیوه‌های ساختن اشیاء یا هر عمل دیگری. از این جهت، عادت‌واره ابداً مفهومی انتزاعی یا ایده‌آلیستی نیست. عادت‌واره به سادگی در رفتارها آشکار و عیان نیست؛ بلکه جزء لاینفک و سازنده رفتار است (و برعکس). سوم، «دسته‌بندی‌های عملی» که در بطن شاکله‌های زاینده عادت‌واره قرار دارند، ریشه در بدن دارند» (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۲۱ و ۱۲۲). این بخش از سرمایه فرهنگی انسان‌ها بسیار مهم بوده و می‌تواند بخش‌های دیگر را نیز از خود متأثر کند. از این رو، میلنر اهمیت عادت‌واره را این‌گونه توضیح می‌دهد: «چارچوبی که در آن هنجارهای فرهنگی و الگوهای کنش و رفتار یک گروه اجتماعی طی فرآیند جامعه‌پذیری به طور ناخودآگاه درونی می‌شوند. این «خلق و خواها» خود به خود زمینه کنش‌های بعدی را فراهم می‌سازند» (میلنر و براویت، ۱۳۸۵: ۳۲۳).

ب) سرمایه فرهنگی عینی از جمله کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب و کتابخانه، مجسمه، تابلوهای نقاشی، آثار هنری و عتیقه می‌باشد.

ج) سرمایه فرهنگی نهادی شده، از جمله صلاحیت‌های تحصیلی است که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی رسمی و مهارت‌های کسب شده، نمود عینی پیدا می‌کنند.

سرمایه‌ها در ارتباط با یکدیگر عمل می‌نمایند: اول این که هر سه سرمایه می‌توانند مکمل یکدیگر بوده و در ارتقای کیفیت زندگی انسان مفید باشند. دوم، سرمایه اقتصادی می‌تواند اثری یا اکتسابی باشد. بخشی از سرمایه فرهنگی (تحصیلات و شناخت‌ها و مهارت‌ها) اصلاً اثری نبوده بلکه فقط اکتسابی است. سوم، سرمایه اجتماعی

4. Habitus

می‌تواند از سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی تأثیر بگیرد و انتقال یابد، در حالی که، چهارم، سرمایه فرهنگی بیشتر از بقیه بر دو سرمایه دیگر تأثیر می‌گذارد.

از آن‌جا که از طرفی، عادت‌واره هدایت‌کننده و مولد رفتارها و اعمال انسان است و از طرف دیگر، در مرکز سرمایه‌های فرهنگی فرد قرار دارد، بنابراین سرمایه‌های فرهنگی نیز رفتارها و اعمال افراد را هدایت می‌کنند. برای مثال یکی از این رفتارها در نزد زنان، روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی آنان است. زیرا در واقع، «ما فضایی را می‌سازیم که سه بعد اصلی آن توسط میزان سرمایه، ساختار سرمایه و رشد این دو عنصر در زمان مشخص می‌شود که این‌ها خود از سرمایه‌های فرهنگی تأثیر می‌گیرند» (بوردیو، ۱۹۹۶: ۱۲۸). هم‌چنین، هم عادت‌واره‌ها و هم سرمایه‌های فرهنگی زنان مشابه نیستند. از این رو، رفتارها و اعمال متفاوتی خواهند داشت. امری طبیعی است که زنان با عادت‌واره‌ها و سرمایه‌های فرهنگی متفاوت روابط اجتماعی متفاوتی داشته باشند. البته عادت‌واره طبقه، یعنی مشابه‌بودن عادت‌واره‌ها در برقراری روابط بین افراد نقش دارد. ضمناً شاغل و خانه‌دار بودن زنان نیز در این امر نقش دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی (منادی، ۱۳۸۵ الف) انجام شده است. زیرا هدف شناخت و جمع‌آوری ایده‌ها، نگرش‌ها، افکار و مشغولیات مختلف زنان می‌باشد. این گونه مؤلفه‌ها را نمی‌توان به دقت با روش کمی با ابزاری هم‌چون پرسش‌نامه جمع‌آوری کرد. چون ممکن است پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه را تا به انتها خوانده و با قرارگرفتن در جریان هدف اصلی تحقیق، پاسخ‌هایی کلیشه‌ای بدهند و یا در ضمن پاسخ‌دادن فکر کرده و همین راه گذشته را بپیمایند. هم‌چنین، ممکن است افراد در بیان عقاید خود در موقعیتی ناآشنا احساس ترس کرده و واقعیت‌ها را در پرسش‌نامه کتمان کنند، یا از سوی دیگر برای خوب نشان‌دادن چهره خود مطالبی را که ایده‌آل آنان است، بیان کنند. در حالی که، در روش کیفی که مثلاً از طریق مصاحبه (لاپلاننتین، ۲۰۰۰) صورت می‌گیرد، فرصت فکر کردن و یافتن پاسخ‌های کلیشه‌ای برای مصاحبه‌شوندگان بسیار کم و در مواقعی صفر است. بنابراین، این پژوهش با دو ابزار مردم‌نگاری (منادی، ۱۳۸۶) و مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته است. مصاحبه دارای مزایای بسیاری است. با استفاده از این ابزار پژوهش‌گر می‌تواند علاوه بر ارتباط کلامی و نزدیکی که با مصاحبه‌شونده دارد، ابهام در پرسش‌ها و یا پاسخ‌ها را روشن کند تا به اطلاعات مورد نظر دست یابد. هم‌چنین، علاوه بر پرسش‌های از قبل تعیین‌شده، پژوهش‌گر می‌تواند طبق موقعیت جدید پرسش خود را تغییر داده و آن را بهتر و روشن‌تر مطرح کند که این امر از ویژگی‌های روش کیفی است. در این پژوهش بعد از جمع‌آوری داده‌ها برای فهم و تبیین نتایج از نظریه‌هایی هم‌چون سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بهره گرفته‌ایم.

برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا به صورت مشاهده و مردم‌نگاری (موس، ۱۹۹۲؛ وودز، ۱۹۹۰؛ لاپلاننتین، ۲۰۰۰) تعداد معدودی زن شاغل و خانه‌دار در اطراف خود را مورد مشاهده کرده و مورد مطالعه دقیق قرار دادیم. یعنی از طرفی، فعالیت‌های روزمره تعدادی زن را مشاهده کردیم تا متوجه شویم شکل و اندازه روابط مختلف در زندگی‌شان چگونه است. سپس در برخوردهای مردم‌نگارانه (منادی، ۱۳۸۶) پرسش‌های زیادی را مطرح کردیم تا کیفیت

فعالیت‌های ایشان و شکل و اندازه روابط اجتماعی آنان را از زبان خودشان دریابیم. پس از شکل‌گرفتن محدوده پرسش‌ها و شکل روابط اجتماعی، پرسش‌نامه‌ای را فراهم کردیم تا به صورت رسمی مصاحبه‌ها را آغاز کنیم. پرسش‌نامه محقق‌ساخته توسط دو همکار دانشگاهی، یک جامعه‌شناس و یک متخصص مطالعات زنان بررسی و اعتبار صوری آن پس از پیشنهادات و تغییرات لازم، مورد تأیید واقع شد. از آن‌جا که روش پژوهش حاضر کیفی است و قصد تعمیم آن را نداریم، پایایی آن اهمیت چندانی ندارد. پرسش‌نامه شامل بیش از ۹۰ سؤال در برگیرنده موضوعات مختلف بود. از طرفی، چون فعالیت‌های زندگی روزمره زنان شامل کار بیرون از خانه، کار درون خانه مانند هنر، ورزش، مطالعه، تماشای تلویزیون، ماهواره، شنیدن موسیقی و از طرف دیگر، نظرات آنان در مورد سیاست، مذهب، ایران، آینده ایران، غرب، زندگی، انتخاب کالا و غیره مد نظر بود، چند پرسش برای دست یافتن به اطلاعاتی مانند سن، وضعیت اشتغال، میزان درآمد (خود و همسرشان) و غیره در پرسش‌نامه مطرح شد.

نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش حاضر را به کمک دوستان و آشنایان به شکل تصادفی، اتفاقی و هدفمند از نقاط مختلف تهران برگزیدیم. البته نمونه‌ها را طوری انتخاب کردیم که حداقل سن‌شان ۳۰ سال بوده و حتماً ازدواج کرده باشند و چند سالی نیز از زندگی مشترک‌شان گذشته باشد تا هم فعالیت‌های آنان و هم نظرات‌شان شکل گرفته باشد. هم‌چنین در نظر داشتیم که تعدادی از آنان خانه‌دار بوده و تعدادی شاغل باشند. سپس مصاحبه با آنان را در محل‌های مختلف بر اساس پیشنهاد آنان انجام دادیم. تعدادی از مصاحبه‌ها در منزل خود افراد، تعدادی در محل کار، تعدادی در منزل افرادی که آنان را معرفی کرده بودند و تعدادی در منزل پژوهش‌گر صورت گرفت. پس از پیاده‌شدن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ، تحلیل محتوا (منادی، ۱۳۸۵ ب) بر روی متن مصاحبه‌ها انجام شد. در مجموع با ۲۷ زن مصاحبه به عمل آمد.

یافته‌های پژوهش

در ارتباط با یافته‌ها و نتایج مطرح شده، نکته قابل ذکر این است که ما در ضمن پافشاری بر نتایج این پژوهش کیفی به عنوان یک واقعیت اجتماعی جامعه امروز، به واسطه انتخاب تصادفی نمونه‌ها، قصد تعمیم این نتایج را بر کلیه زنان جامعه نداریم. ذکر این نکته به معنی تردید در نتایج یا رد نتایج پژوهش حاضر نمی‌باشد. بلکه معتقدیم این‌ها یافته‌هایی هستند که تعمیم آن‌ها مستلزم تحقیقات پیمایشی با نمونه بزرگ است.

به جز یک مورد از زنان که ۲۸ سال سن داشت، جوان‌ترین زنان ۳۳ و مسن‌ترین‌شان ۶۱ سال داشتند و میانگین سن آنان ۴۲ سال بود. ضمناً ۱۷ نفر خانه‌دار بوده و ۱۰ نفر شاغل هستند. آنان ساکن مناطق مختلف جنوب، شمال، مرکز، غرب و شرق شهر تهران بودند. میانگین زمان مصاحبه ۴۲ دقیقه بود.

سرمايه اقتصادی

در مورد سرمایه اقتصادی زنان خانه‌دار، درآمد همسرشان و در مورد زنان شاغل مجموع درآمد خود و همسرشان در نظر گرفته شد. حداقل درآمد ۲۵۰ هزار تومان و حداکثر پنج میلیون تومان بود. ولی اکثر آنان بین ۵۰۰ الی

۹۰۰ هزار تومان درآمد داشتند. بنابراین، در مجموع این دسته از زنان از خانواده‌های نسبتاً محروم و متوسط بودند.

در مجموع درآمد زنان مورد مصاحبه به صورت زیر تقسیم شد. درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان: محروم (۳ مورد)، بین ۲۵۰ الی ۵۰۰ هزار تومان: متوسطِ ضعیف (۸ مورد)، بین ۵۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان: متوسط (۱ مورد)، بین ۸۰۰ الی یک میلیون و صد هزار تومان: متوسطِ خوب (۷ مورد)، بین یک میلیون و صد هزار تومان الی یک میلیون و پانصد هزار تومان: خوب (۴ مورد)، و از یک میلیون و پانصد هزار تومان به بالا مرفه (۴ مورد) در نظر گرفته شد.

میزان سرمایه فرهنگی و نوع آن

همان‌طور که گفته شد سرمایه فرهنگی دارای سه بخش است که قسمت اول شامل مدارک تحصیلی است و قسمت دوم (عادت‌واره) را در گذر از فعالیت‌های مختلف فرهنگی شناسایی می‌کنیم و قسمت سوم مربوط به داشتن تابلو، مجسمه و وجود کتابخانه می‌باشد. در واقع، سرمایه فرهنگی شامل مدارک تحصیلی، شناخت‌ها و مهارت‌ها و دل‌مشغولی‌هایی مانند مطالعه، ورزش، هنر، رفتن به سینما، تماشای تلویزیون و ماهواره، زمان و نوع موسیقی استفاده شده، ارتباط با مذهب و فعالیت‌هایی مانند شرکت در کلاس‌های مختلف هنری، مذهبی، همکاری با مسجد محله، بسیج، و غیره می‌باشد.

جدول ۱. سطح تحصیلات زنان

جمع		شاغل		خانه‌دار		خانه‌دار و شاغل سطح تحصیلات
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	بی‌سواد
٪۱۵	۴	٪۴	۱	٪۱۱	۳	کمتر از دیپلم
٪۵۲	۱۴	٪۱۱	۳	٪۴۱	۱۱	دیپلم
٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	دیپلم + حوزه
٪۴	۱	٪۴	۱	٪۰	۰	فوق دیپلم
٪۳۰	۸	٪۱۸	۵	٪۱۱	۳	لیسانس
٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	فوق لیسانس
٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	دکتری
۱۰۰	۲۷	٪۳۷	۱۰	٪۶۳	۱۷	جمع

تحصیلات اکثر زنان خانه‌دار در سطح دیپلم بود، در حالی که زنان شاغل بیشتر در سطح لیسانس هستند. سطح تحصیلات از بی‌سواد تا دکتری به ترتیب از ۰ تا ۷ شماره‌گذاری شد. دیگر فعالیت‌ها در طیفی شامل اصلاً، کم، متوسط و خیلی، به ترتیب از ۰ تا ۳ شماره‌گذاری شد. بالاترین نمره سرمایه فرهنگی ۳۰ و پایین‌ترین ۹ بود. بنابراین، از ۹ الی ۱۶ را سرمایه فرهنگی پایین، ۱۶ الی ۲۳ را سرمایه فرهنگی متوسط و ۲۳ الی ۳۰ را سرمایه فرهنگی بالا در نظر گرفتیم.

بدین ترتیب ۱۰ نفر از زنان سرمایه پایین، ۱۲ نفر سرمایه متوسط و ۵ نفر سرمایه بالا داشتند. بیشتر زنان خانه‌دار دارای سرمایه فرهنگی متوسط (۹ نفر)، تعدادی دارای سرمایه فرهنگی پایین (۵ نفر) و تعداد کمی دارای سرمایه فرهنگی بالا (۳ نفر) هستند. زنان شاغل به نسبت تقریباً مساوی سرمایه فرهنگی کم (۵ نفر)، متوسط (۳ نفر) و بالا (۲ نفر) دارند. در نتیجه، تفاوت بارزی در این زمینه بین زنان شاغل و خانه‌دار دیده نمی‌شود.

سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی

منظور از سرمایه اجتماعی در این پژوهش رفت‌وآمدهای خانوادگی، رفت‌وآمد با دوستان به شکل خانوادگی، رفت‌وآمد با همسایگان و با دوستان بدون حضور اعضای خانواده است.

جدول ۲. میزان سرمایه زنان شاغل و خانه‌دار

خانواده و شاغل	خانوادگی	دوستان	تنهایی	جمع
میزان سرمایه	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی
کم	۸	۱	۰	۹
متوسط	۹	۱	۳	۱۳
بالا	۴	۰	۱	۵
جمع	۲۱	۲	۴	۲۷

افراد با سرمایه کم بیشترین ارتباط خانوادگی را دارند و به ندرت همراه با خانواده خود با دوستان ارتباط داشته و اصلاً به تنهایی با دوستان ارتباط ندارند. افراد با سرمایه متوسط بیشتر روابط خانوادگی را ترجیح می‌دهند و تعدادی همراه با خانواده، با دوستان و یا به تنهایی ارتباط برقرار می‌کنند. افراد با سرمایه بالا نیز اغلب با خانواده، و تعدادی به تنهایی با دوستان رابطه برقرار می‌کنند.

زمانی که سرمایه اجتماعی را نسبت به شاغل بودن و خانه‌دار بودن می‌سنجیم، به این نتیجه می‌رسیم که اکثر زنان خانه‌دار (۱۳ نفر) روابط خانوادگی داشته و فقط یک نفر از آنان همراه با خانواده با دوستان ارتباط دارند و یا تعداد کمی (۳ نفر) به تنهایی با دوستان خود ارتباط دارند. اکثریت زنان شاغل (۸ نفر) نیز با خانواده ارتباط داشته

و یک نفر با دوستان و یک نفر به تنهایی با هم‌جنسان خود ارتباط دارند. در نتیجه، شاغل‌بودن در نوع روابط نقش مهمی را ایفا نمی‌کند.^۵

زمانی که سطح تحصیلات را با سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کنیم، باز سطح تحصیلات نقش مهمی در شکل روابط ندارند. یعنی در سطح دیپلم (۱۲ نفر) و لیسانس (۶ نفر) بیشترین ارتباط را با خانواده دارند. البته در سطح لیسانس ارتباط با دوستان (۲ نفر) افزایش یافته است. در نتیجه، بالارفتن سطح تحصیلات در شکل ارتباطات تأثیر دارد. هم‌چنین، وضعیت اقتصادی در شکل روابط یا سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا نمی‌کند. در همه سطوح اقتصادی بیشترین نوع ارتباط، با خانواده است. در واقع، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی، به‌خصوص وضعیت اقتصادی نقش بسیار مهمی را در نتایج به دست آمده نشان نمی‌دهند.

بر اساس نتایج، عامل اصلی در شکل و نوع روابط اجتماعی زنان سرمایه فرهنگی‌شان است. به تعبیری نظریه بورديو در ایران نیز نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی زنان نقش مهم‌تری در چگونگی روابط اجتماعی آنان یعنی سرمایه اجتماعی‌شان دارد. البته نتایج نشان دادند که بخش عینی درونی‌شده سرمایه فرهنگی یا عادت‌واره زنان در این امر بیش از سطح تحصیلات نقش ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

زنان بخش مهمی از جوامع را تشکیل می‌دهند، چون اکثر آنان نقش مادر را ایفا می‌کنند و تأثیر بسیار زیادی بر چگونگی شخصیت فرزندان‌شان خواهند داشت. از این رو، شناخت نسبت به آنان و توجه به چگونگی وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دل‌مشغولی‌های روزمره آنان ضروری، مفید و مهم است.

زنان از طرفی از طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. یعنی از سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلفی برخوردار هستند. از طرف دیگر، تعدادی از آنان به کار مشغول بوده و تعدادی دیگر خانه‌دار هستند. تفاوت در سرمایه‌ها و اشتغال آنان دو مؤلفه مهمی است که بر زندگی روزمره آنان تأثیر می‌گذارد. از جمله این تأثیرات، تفاوت در نحوه روابط اجتماعی آنان با خانواده، دوستان و همسایگان، همراه با خانواده و یا به تنهایی می‌باشد.

بالتبع، فرهنگ یا سرمایه فرهنگی خاص هر خانواده روابط اعضای آن را هدایت می‌کند و تأثیر متفاوتی بر شخصیت افراد خانواده و پیشرفت زندگی‌شان خواهد گذاشت و به دنبال آن بر فضای فرهنگی یا به تعبیر بورديو میدان فرهنگی درون خانه و سپس بر فرزندان مؤثر خواهد بود. «روح یا فرهنگ، فضا یا میدان موقعیتی (یا محیطی فیزیکی) است که در درون آن، ارزش‌ها، آداب و قوانین خاص آن موقعیت حاکم است. این ارزش‌ها و قوانین می‌توانند از نوع اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی باشند که به هر جهت دارای بار فرهنگی هستند. فضاهای فرهنگی توسط خود افراد جامعه ساخته می‌شوند» (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۲ و ۴۷ و ۷۴). به عبارت دیگر، «میدان، یک فضای اجتماعی ساخت‌یافته یا یک میدان از نیروهاست، که درون آن با افراد مسلط و افراد تحت سلطه، با

^۱ به دلیل پرهیز از اطاله کلام و حجیم نشدن مقاله از آوردن جداول خودداری کرده و فقط به ذکر نتایج آن‌ها اکتفا می‌کنیم. ضمن این‌که بر اساس همین دلیل به گفته‌های زنان نمونه تحقیق نپرداختیم.

روابط پیوسته و پایدار و با نابرابری‌هایی که درون این میدان اتفاق می‌افتد، سروکار داریم. این میدان در عین حال، عرصه مبارزه برای تغییر یا حفظ میدان مبارزه نیز هست» (بورديو، ۱۳۸۷: ۵۷). در نتیجه، چگونگی شکل این میدان‌های فرهنگی بر نوع روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی زنان تأثیر دارد.

روابط اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود که چند متفکر بزرگ این حوزه در ارتباط با این مفهوم نظریه‌پردازی‌های عمیقی کرده و نتایجی را مطرح کرده‌اند. به طور خلاصه «بورديو دارای دغدغه‌ای مشترک با مارکسیسم درباره نابرابری دسترسی به منابع و کسب قدرت است، کلمن به عنوان نقطه شروع، ایده افراد کنش‌گر عقلانی را که به دنبال کسب سود شخصی هستند در نظر می‌گیرد، پاتنام ایده معاشرت و فعالیت مدنی را به عنوان پایه یکپارچگی اجتماعی و بهزیستی در نظر گرفت و گسترش بخشید» (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۸). در این مقاله بیشتر نظریه بورديو ملاک قرار گرفت.

بر اساس تفکر بورديو ضمن این که سرمایه‌ها قابل انتقال به یکدیگر می‌باشند، سرمایه فرهنگی نسبت به سرمایه اقتصادی، تأثیر بیشتری بر سرمایه اجتماعی هر فرد دارد. با وجود این که هدف تحقیق حاضر اجرای نظریه بورديو نبود، ولی نتایج پژوهش، نظریه بورديو را تأیید می‌کند و افزون بر آن نشان می‌دهد که علاوه بر سرمایه فرهنگی، ویژگی‌های شخصیت (پروین، ۱۳۸۱) افراد نیز بر سرمایه اجتماعی‌شان تأثیرگذار است. یعنی سرمایه فرهنگی به تنهایی برای داشتن روابط قوی اجتماعی یا داشتن سرمایه اجتماعی کفایت نمی‌کند. وجود سرمایه اجتماعی امری لازم است، ولی کافی نیست. بلکه وجود شخصیتی اجتماعی و برون‌گرا نیز در این امر نقش مهمی ایفا می‌کند. ضمن این که شخصیت و ویژگی‌های آن به مانند وجدان که به تعبیر لوفور محصول اجتماع است (۱۹۷۶)، به صورت اجتماعی ساخته می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد:

اگر فقط سرمایه فرهنگی زنان را در ارتباط با سرمایه اجتماعی مد نظر قرار دهیم، خواهیم دید زنان با سرمایه فرهنگی کم، بیشترین ارتباط خانوادگی را دارند و به ندرت همراه با خانواده با دوستان خود ارتباط داشته و اصلاً به تنهایی با دوستان خود رابطه‌ای ندارند. زنان با سرمایه فرهنگی متوسط، بیشتر روابط خانوادگی را ترجیح می‌دهند و تعدادی همراه با خانواده با دوستان و تعداد بیشتری به تنهایی با ایشان ارتباط برقرار می‌کنند. زنان با سرمایه فرهنگی بالا نیز اغلب با خانواده، تعدادی با دوستان و تعدادی به تنهایی رابطه برقرار می‌کنند. بر اساس این نتیجه، سرمایه فرهنگی ضمن مؤثر بودن به تنهایی، در حالت کلی آن، تأثیر مهمی را در شکل روابط نشان نمی‌دهد.

زمانی که سطح تحصیلات را با سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کنیم، باز سطح تحصیلات نقش مهمی را در شکل روابط ندارند. یعنی، سطح تحصیلات شکل روابط را تعیین نمی‌کند. هم‌چنین، وضعیت اقتصادی در شکل روابط یا سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا نمی‌کند. در واقع، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی نقش مهمی را در نتایج به دست آمده نشان ندادند.

زمانی که سرمایه اجتماعی را با شاغل بودن و خانه‌دار بودن می‌سنجیم، می‌بینیم که اکثر زنان خانه‌دار روابط خانوادگی داشته و فقط یک نفر از آنان همراه با خانواده و یا به تنهایی با دوستان ارتباط دارد. اکثر زنان شاغل نیز با خانواده ارتباط داشته و تعدادی با دوستان و تعداد بیشتری به تنهایی با هم‌جنسان خود ارتباط دارند. در نتیجه، شاغل بودن در نوع روابط تأثیر دارد ولی نقش مهمی را ایفا نمی‌کند.

اما پس از بررسی عمیق تک تک موردها به این نتیجه می‌رسیم که عادت‌واره زنان که نزدیک به شخصیت آنان (و مکمل آن) می‌باشد و در برگیرنده عناصری مانند فعالیت‌های فرهنگی و هنری (مطالعه، ورزش، فعالیت ادبی، سیاسی، مذهبی و هنری) است، بیشتر در برقراری روابط بین زنان مؤثر است. در واقع، به تعبیر بوردیو (۱۹۸۹) اولاً، خود عادت‌واره هدایت‌کننده کنش‌ها و فعالیت‌های زنان است، ثانیاً عادت‌واره طبقاتی (بوردیو، ۱۹۹۶) است که عامل نزدیک‌شدن و برقراری روابط اجتماعی بین زنان می‌شود. در نتیجه، بخش مهم یا مرکزی سرمایه فرهنگی یعنی عادت‌واره در تولید و هدایت سرمایه اجتماعی زنان نقش ایفا می‌کند. به هر حال سرمایه فرهنگی در گذر از عادت‌واره شکل روابط اجتماعی زنان را هدایت می‌کند.

به طور خلاصه بر اساس نتایج به دست آمده، عامل اصلی در شکل و نوع روابط اجتماعی سرمایه فرهنگی است. نظریه بوردیو در ایران نیز نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی زنان نقش مهم‌تری نسبت به سرمایه اقتصادی در چگونگی روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) آنان دارد. دیگر این‌که ویژگی‌های شخصیتی نیز در شکل روابط نقش دارند که در این پژوهش، این ویژگی‌ها مورد آزمون واقع نشدند، ولی براساس موردهای مردم‌نگارانه بررسی شده به این نکته برخوردیم.

ارتباط این دو نکته اخیر حاکی از آن است که تقریباً سرمایه فرهنگی پایین، خانه‌داری و ارتباطات خانوادگی نوعی چرخه را ساخته‌اند. در حالی که، سرمایه فرهنگی متوسط و بالا، شاغل‌بودن و روابط با هم‌جنسان نیز چرخه‌ای دیگر را تشکیل داده‌اند. در واقع، فعالیت‌های فرهنگی (هنری، ورزشی، مطالعه، تماشای تلویزیون، شرکت در مجالس شعر، تفسیر قرآن، بسیج و غیره) تقریباً جدای از سطح تحصیلات در برقراری ارتباطات اجتماعی نقش مهمی دارند. شاید میدان فرهنگی که این فعالیت‌ها به وجود می‌آورند در برقراری روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی زنان تأثیرگذار است.

بررسی مشاهدات مردم‌نگارانه در مورد شکل و اندازه روابط در مناطق مختلف، از یک طرف حاکی از تفاوت بین روابط است و از طرف دیگر ارتباط سرمایه فرهنگی با نوع روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. در مناطق سنتی که افراد بیشتر در منازل شخصی سکونت دارند، افرادی که از سرمایه فرهنگی کم برخوردار هستند، روابط همسایگی بیشتری دارند و این‌گونه افراد به گفته خودشان زمانی که آپارتمان‌نشین می‌شوند، کمتر با همسایه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. چون نوع ارتباطی که آنان طلب می‌کنند، در آپارتمان کمتر قابل اجرا است. زیرا آنان مثلاً مایل‌اند در حیاط خانه یا کوچه دور هم جمع شوند و یا غذایی نذری را به کمک یکدیگر فراهم کنند که این کار در آپارتمان کمتر امکان‌پذیر است. در حالی که در آپارتمان‌نشینی افرادی که دارای سرمایه فرهنگی بالایی هستند، بهتر می‌توانند ارتباط برقرار کنند، هرچند نوع ارتباطشان متفاوت است.

نوع ارتباط با همسایه‌ها و محتوای آن نیز در بین افراد با سرمایه فرهنگی پایین و بالا متفاوت است. محتوای ارتباطات زنان با سرمایه فرهنگی پایین، بیشتر در حد دور هم جمع شدن، گفتگو کردن، در مورد دیگران صحبت کردن، از خود، لباس، شوهر و فرزندان گفتن، غذاهای خاص مانند آش و شله‌زرد تعارف بردن (نذری) و سفره‌های گوناگون انداختن می‌باشد. البته تعدادی نیز این جلسات را به دعا خواندن و تفسیر قرآن می‌گذرانند

که باعث بالارفتن سرمایه فرهنگی آنان می‌شود و به مرور زمان نوع ارتباطات آنان را نیز تغییر خواهد داد. این نوع ارتباطات در محله‌های سنتی که افراد در خانه‌های شخصی زندگی می‌کنند بیشتر است.

این در حالی است که در سرمایه فرهنگی سطح بالا براساس گفته‌های افراد، ارتباط بین همسایه‌ها بسیار کم و اندک است و نوع آن نیز متفاوت می‌باشد. این زنان برحسب نوع سرمایه فرهنگی‌شان، غالباً با دوستان یا همسایه‌ها در رستوران، کافه تریا، کوه، سفره‌های نذری عصرانه، جلسات موسیقی و رقص، جلسات تفسیر قرآن و جلسات سخنرانی شرکت می‌کنند. ضمناً محتوای ارتباطات آنان، کتاب (رمان)، مد، مشکلات خانوادگی، صحبت از همسر و فرزندان، موسیقی و از این قبیل می‌باشد. این گونه روابط بیشتر در مناطق آپارتمان‌نشین مشاهده می‌شود. در نتیجه، در آپارتمان طبق نوع سرمایه فرهنگی، شکل روابط زنان کاملاً فرق می‌کند. هم‌چنین، زنان شاغل کمتر فرصت ارتباط با همسایگان را داشته و بیشتر ارتباطات آنان حتی با دوستان برنامه‌ریزی شده است. یعنی به هر جهت تفاوتی هرچند اندک در مورد ارتباطات، بین زنان شاغل و خانه‌دار مشاهده می‌شود.

به عبارتی، در هر دو حالت پس از جمع‌بندی نتایج مطرح شده، هم نوع و میزان سرمایه فرهنگی و هم نوع سکونت (خانه شخصی و آپارتمان) شکل ارتباطات یا سرمایه اجتماعی را از خود متأثر می‌کنند. درواقع از سویی، مثلث سرمایه فرهنگی، نوع سکونت و سرمایه اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با هم داشته و از سوی دیگر، این مثلث در ارتباط با زنان خانه‌دار و شاغل شکل می‌گیرد.

علی‌رغم این که در مصاحبه‌ها امکان پرسش‌های زیاد به دلیل کمبود وقت و بررسی عمیق مانند مطالعات مردم‌نگاری نبوده است، ولی تفاوت چشم‌گیری بین نتایج این دو نوع نمونه با ابزارهای مختلف دیده نمی‌شود. یعنی مطالب مطرح شده در مورد نمونه‌های مردم‌نگاری در لابه‌لای گفته‌های مصاحبه‌شوندگان نیز دیده می‌شود. تردیدی نیست که سرمایه فرهنگی بالا باعث ارتقای فکر، اندیشه، داشتن فعالیت فرهنگی سازنده و شاید بتوان گفت پیشرفت در زندگی فردی و به دنبال آن پیشرفت خانوادگی خواهد شد؛ بنابراین، سرمایه فرهنگی بالا امکان برقراری روابط بهتر با همسایگان را نیز می‌تواند در برداشته باشد که این نوع روابط در رفع موانع همسایگی و برقراری امنیت و همکاری بین همسایگان اثر مثبت و خوبی خواهد داشت. در نتیجه، زمانی که ارتباط با دوستان و همسایه‌ها بیشتر است، تفکر و منش خویشتاوندی و قبیله‌ای وجود ندارد و به همسایه‌ها مانند عضوی از خانواده گسترده‌تر می‌نگرند. بنابراین، بر مسئولان فرهنگی و نهادهای فرهنگ‌ساز مانند رسانه‌های تصویری است که برای ارتقای سرمایه فرهنگی زنان فعالیت داشته باشند تا از این راه ارتباطات زنان با خانواده‌ها، دوستان و همسایگان بهتر شود و در نتیجه امنیت و رفاه محل سکونت فراهم گردد. نیز فضای فرهنگی (بوردیو، ۱۳۸۰) درون خانه‌ها از غنای بیشتری برخوردار شود. طبیعتاً در چنین فضاهای فرهنگی غنی، فرزندان از موفقیت، سلامت روان و شخصیت بهتری بهره‌مند خواهند بود.

منابع

- آهنچیان، نرگس (۱۳۸۵) «رهبری دانشگاهی و سرمایه اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به مدیریت آموزش عالی»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۲، شماره ۳ و ۴. پاییز و زمستان. بورديو، پير (۱۳۸۰) نظريه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بورديو، پير (۱۳۸۷) درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: انتشارات آشتیان. بیتس، دانیل و فرد پلاک (۱۳۷۵) انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی. پروین، لارنس‌ای (۱۳۸۱) روان‌شناسی شخصیت، (نظریه و تحقیق)، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: نشر آبیژ.
- تری یان‌دیس، هری س (۱۳۸۳) فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر رسانش. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) پیر بورديو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی. حسن‌زاده، داود (۱۳۸۴) «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی معلمان بر میزان رضایت‌مندی از خانواده، مدرسه و اجتماع»، فصلنامه خانواده و پژوهش، سال دوم، شماره ۳، پاییز.
- دلور، علی (۱۳۸۵) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد. شویره، کریستین و اولیویه فونتن (۱۳۸۵) واژگان بورديو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی. فیلد، جان (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: انتشارات کویر. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵) پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- کلنر، جان. دابلو (۱۳۷۶) ارتباط گفتاری میان مردم، ترجمه اکبر میرحسینی و قاسم کبیری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی. گال، مردیت و همکاران (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. جلد دوم، ترجمه احمد نصر و همکاران، تهران: سمت.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵ الف) «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵ ب) «روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری و اجتماعی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، پاییز.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶ ج) «مردم‌نگاری»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان.
- میلنر، آندرو و جف براویت (۱۳۸۵) درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.

نوغانی، محسن (۱۳۸۶) «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز، شماره مسلسل ۹۱.

Berger, P. et Luckmann, T. (1986) La Construction sociale de la réalité. Paris. Merdiens Klincksieck.

Bourdieu, P. (1970) Esquisse d'une théorie de la pratique. précédée de trois études d'ethnologie Kabyle. Ed Droz. Genève

Bourdieu, P. et Passeron Jean-Claud (1971) La Reproduction. éléments pour une théorie du système d'enseignement. Paris. Editions de Minuit, Le sens commun.

Bourdieu, P. et Passeron J. C. (1983) Les Héritiers. les étudiants et la culture. Paris. Les Editions de Minuit. Le Sens commun.

Bourdieu, P. (1989) Le sens pratique. Paris. Les éditions de Minuits.

Bourdieu Pierre (1996) La Distinction. critique sociale du jugement. Paris. Les éditions de Minuits.

Durkheim, E. (1987) Les Règles de la méthode sociologique. Paris. PUF.

Durkheim, E. (1990) Le Suicide. Paris. PUF.

Laplantine, F. (2000) La Description Ethnographique. Nathan. Université.

Lefebvre, H. (1976) Le Marxisme. Paris. P.U.F. Que sais-je?

Lefebvre, H. (1981) La Vie quotidienne dans le monde moderne. Paris. Edition idées.

Marx, K. (1993) Le Capital. Livre 1. Paris. PUF.

Mauss, M. (1992) Manuel d'ethnographie. Paris. Petit bibliotheque Payot.

Woods, P. (1990) L'Ethnographie de l'école. Paris. Armand Collin.

